

کنفرانس نام نهاد ژنیو

دوست مبارز و گرامی جناب محمد حسن ولسمل !
مدیر مسؤول و صاحب امتیاز جریده وزین "مجاهد ولس" چاپ اسلوی ناروی ،

یک تعداد جریده های وزین شما از طریق دوستان بدستم رسید و از مطالعه مضامین و مقالات ارزنده آن نه تنها مستفید و خرسند گردیدم بلکه به موجودیت چنین جریده و این خدمت تاریخی و بزرگ مطبوعاتی شما در این مرحله حساس تاریخ وطن احساس مباهات کردم. این موفقیت چشم گیر شما و آن هموطنانی را که در این راه فرخنده و نیک با شما همگامند، از دل و جان تبریک عرض میکنم.

در چند شماره ای که بصورت پراکنده بدستم رسیده است مضمونی یا نوشته ای در مورد **کنفرانس نام نهاد ژنیو** که بطور غیر مستقیم بین نمایندگان دولت پاکستان و نمایندگان رژیم کابل با وساطت سکر جنرال ملل متحد تا حال چندین بار صورت گرفته و قرار نشرات روزنامه های اروپای غرب باز هم بتاریخ بیستم جون امسال مجدداً انعقاد می باید، به نظر من نخورد.

اینک قلم ناتوان را بدست لرزان سپرده نکات آتی را در این باره می نویسم و امیدوارم افتخار نشر را در جریده وزین شما نصیب گردد.

به همه هموطنان مجاهد و مبارز روشن است که در این لحظات حساس تاریخ افغانستان که مردم قهرمان آن در داخل خاک خویش با قیام عمومی و مسلح در برابر تجاوز نظامی اتحاد شوروی و رژیم دست نشاندۀ آن مردانه وار و قهرمانانه می جنگد، در ساحۀ بین المللی مقدرات مردم افغانستان بدون اشتراک و سهم نمایندگان واقعی ملت آن مورد بحث قرار میگیرد.

مردم افغانستان با قبول همه ایثار و فداکاری به منظور حفظ معتقدات، نوامیس ملی، اعاده حقوق حاکمیت ملی و استقلال خویش به جهان و جهانیان فهمانده اند که تا زمانیکه تجاوز خاصمانۀ اجنبی خاتمه نیابد و خاک مقدس ملت قهرمان افغانستان از وجود متجاوزین روسی و وطن فروشان اجیر شان پاک نگردد به مبارزه ملی و مسلح خویش ادامه داده و در این راه حق به قبول هر گونه ایثار و قربانی بیشتر حاضر و آماده است.

صدای جهاد برحق، قیام عمومی و مبارزه بی امان مردم افغانستان تا حد توان و امکان توسط رهبران تنظیم های جهادی و نویسندگان قلم بدست و وطنپرست بگوش جهانیان رسیده است. ائتلاف اخیری را که در بین تنظیم های جهادی رخ داده است، میتوان یک تحول تاریخی عمده پنداشت و امیدوار شد که با استحکام آن بهانه گیری های شورویان و پشتی بانان شان در میدان بین المللی باطل شود. ناگفته نباید گذاشت که از واقعه فرخنده این ائتلاف همه مردم افغانستان، همه شخصیت های عمده کشور به شمول اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، پادشاه سابق افغانستان و رهبری کشورهای اسلامی همه جهان اظهار رضائیت کرده اند و برعکس دوستان شوروی (و آن مسلمانان نام نهاد که در ملل متحد بطرفداری اشغال افغانستان توسط شوروی رای میدهند) سخت نگران شده اند. (۱)

برادران و خواهران مجاهد و مبارز افغان نیز مطلع اند که بعد از حمله نظامی قوای روسیه شوروی در کشور، بر موضوع افغانستان در سطح بین المللی و در مجامع بین المللی (شورای امنیت و مجامع عمومی ملل متحد، کنفرانس کشور های اسلامی و ممالک غیر منسلک) بحث میگردد که در بعضی ازین مجامع مخصوصاً کنفرانس کشور های اسلامی، نمایندگان مردم افغانستان نیز شرکت داشته و به تمام قدرت و توانائی و حفظ روحیه ملی از حقوق حقۀ ملت و مردم افغانستان دفاع کرده و پیوسته توقع برده اند که یک جبهه ائتلافی همه قوای مجاهد و مبارز افغانستان تشکیل شده و شخصیت حقوقی بین المللی حاصل کند. از جانب دیگر همه میدانند که از چهار سال به اینطرف با وساطت سکرتر جنرال ملل متحد بر مقدرات مردم و ملت افغانستان بحث و مذاکره صورت می گیرد، ولی متأسفانه تا حال از نمایندگان واقعی مردم افغانستان و رؤسای تنظیم های جهادی دعوتی بعمل نیامده است. البته در احوال کنونی چنین دعوت مطلوب ما نیست زیرا مسلمانان افغانستان با دستگاه بیرک کارمل برای مذاکره غیر مستقیم هم حاضر نیستند و طالب مذاکرات مستقیم و روبرو با اتحاد شوروی می باشند.

ناگفته نباید گذاشت که از سال ۱۹۸۰م به اینطرف موضوع افغانستان در مجمع عمومی ملل متحد مورد بحث قرار دارد و در این مورد تصمیم نامه های پیاپی به تصویب مجمع عمومی رسیده است، اما متأسفانه در هیچ یک از

مراحل، از مرحله تسوید تا تقدیم و ارایه محتویات تصمیم نامه های مجمع عمومی با مردم مبارز افغانستان و با نمایندگان واقعی شان که در بالا ذکر شد مشورتی صورت نگرفته است.

تبصره در مورد متن تصمیم نامه های تصویب شده مجمع عمومی بحث جداگانه ای است که صحبت در باره آن به درازا می کشد، ولی بطور مثال بر دو مطلب آن روشنی می افکنیم.

۱- در تصمیم نامه های سه سال اخیر مجمع عمومی تنها به اخراج قوای نظامی بیگانه از افغانستان اشاره شده و اخراج " بلاشرط " و " کامل " اردوی شوروی را تذکر نمی دهد در حالیکه " بلاشرط " و " کامل " عین کلمات مصوبه تصمیم نامه جلسه خاص و اضطراری ماه جنوری سال ۱۹۸۰ مجمع عمومی متحد می باشد.

۲- در قسمتی که بذل مساعی برای یافتن راه حل سیاسی قضیه افغانستان اشاره می شود، در باره سهم مجاهدین و آزادی خواهان افغانستان و نمایندگان واقعی مردم آن ساکت مانده است. در حالیکه هر گونه حل سیاسی موضوع باید مطابق آرزومندی کافه مردم افغانستان باشد.

علاوه بر مطالب فوق طوریکه همه میدانند فعلاً نماینده خاص سکرتر جنرال ملل متحد با حکومت دو کشور برادر (پاکستان و ایران) و رژیم تحت حمایت شوروی در کابل در حال مذاکره بوده و متعاقباً جلسه دیگری هم در شهر ژنیو سویس منعقد خواهد شد.

بنا بر آن با در نظر داشت مطالب فوق به منظور توضیح و تصریح موقف مردم مبارز و آزادیخواه افغانستان در این اوان حساس تاریخ وطن، در برابر سکرتر جنرال ملل متحد، ممالک عضو ملل متحد و جامعه بشری، نهایت مطلوب خواهد بود تا جبهه ائتلاف تنظیم های جهادی افغانستان **نامه واحدی** به سکرتر جنرال سازمان ملل ارسال دارند و رؤسای تنظیم های جهادی، از دانشمندی کار گرفته، بدانند که ارسال چنین نامه ای به سکرتر جنرال ملل متحد در این لحظات حساس تاریخ کشور ما و در موقعیکه بر مقررات مردم ما بدون اشتراک نمایندگان واقعی شان بحث و مذاکره می نمایند، نه تنها مطلوب و مفید است بلکه در این موقع حساس حتمی و ضروری می باشد.

درینجا باید یک مطلب را توضیح کنم و آن موقف گیری حکومت پاکستان است، شاید کسی بپرسد در صورتیکه اجتماع ژنیو مطلوب مردم افغانستان نیست پس چرا حکومت پاکستان در آن اشتراک میکند؟ به نظر قاصر من جواب آن اینست :

الف - حکومت پاکستان مکلف است سیاست خارجی خود را مطابق مصلحت های بین المللی خویش پیش ببرد، به نظر من حکومت پاکستان نمی خواهد مورد اتهام قرار بگیرد که گویا حاضر به هیچ مذاکره نیست.

ب - حکومت پاکستان مذاکرات مستقیم را با دار و دسته حکومت نام نهاد کابل نپذیرفته است و با تقاضای مذاکرات غیر مستقیم بر این مطلب تاکید کرده است که رژیم کابل اهلیت سیاسی بین المللی ندارد.

ج - حکومت پاکستان متیقن است که مصلحت مردم افغانستان عین مصلحت مردم پاکستان است و زیانی که به مردم افغانستان برسد عین زیان به مردم پاکستان است و از اینجاست که مردم افغانستان این مساعدت سیاسی پاکستان را به نظر قدر نگرسته و فراموش نخواهند کرد.(۲)

ارسال چنین نامه به سکرتر جنرال ملل متحد دارای دو مفاد آتی میباشد :

۱ - به جواب سکرتر جنرال ملل متحد پرداخته می شود، زیرا موصوف در طی یکی از کنفرانس های مطبوعاتی خویش که در جریده (لوموند) شماره ۱۱۸۱۸ تاریخی ۲۷ جنوری ۱۹۸۳ در پاریس به چاپ رسیده، یکی به مجاهدین و مبارزین افغانستان (باغی و متمرد "rebel") خطاب نموده بود و تا کنون (۱۹۸۵) مجاهدین و مبارزین افغانستان را به حیث جانب قانونی مقابل شوروی به رسمیت نشناخته است ؛

دوم اینکه گفته است، هنوز از طرف گروه های مجاهدین کدام پیشنهادی برایش نرسیده است، فلذا با ارسال چنین نامه، پیشنهاداتی را که غیر مستقیم خودش از آن دعوت نموده برایش تقدیم میگردد.

۲ - موقف مردم و ملت افغانستان نسبت به قضیه ملی شان در برابر جامعه بین المللی بیش از پیش، پس از تشکیل ائتلاف واضح و روشن میگردد و ضمناً وسیله ای خواهد بود جهت رسیدن و سهم گیری در مذاکرات در مورد قضیه افغانستان و مکاتبه مستقیم با مقامات عالی دارالانشاء ملل متحد که از نظر سیاسی، اهمیت آن از نظر رؤسای محترم تنظیم های جهادی دور نخواهد بود.

با امیدواری به قدسیت عشق به مادر وطن و بیداری وجدانهای رهبران جهادی، انشاء الله از این طریق راهی برای سهم گیری نمایندگان واقعی مردم افغانستان در موضوع ملی و حیاتی شان، باز خواهد شد.

من به نظر قاصر خود، البته با مشوره با چند تن دوستان وطن پرستم که در عین زمان با مسائل سیاسی و اجتماعی افغانستان هم آگاهی کافی دارند، طرح همچو نامه را ذیلاً چنین پیشنهاد میکنم که البته در تسوید آن از اعلامیه جهانی حقوق بشر، منشور سازمان ملل متحد و تصمیم نامه های مجمع عمومی ملل متحد و راپور خود سکرتر جنرال سازمان ملل استفاده شده و با ایمان کامل به وطن و به مردم افغانستان، به عقیدت کامل به نوامیس ملی و مبارزات

مردم باشرف افغانستان تحریر گردیده است. اما باز هم بر رهبران محترم جهادی است که نوع تعدیلاتی را که لازم میدانند در آن بیاورند و از هر طریقی که تجویز میدارند، ارسال دارند.

خوانندگان گرامی مجاهد ولس خواهند پرسید " پس چرا این نامه را رسماً به رهبران تنظیم های جهادی نفرستادی، که برای نشر به جریده مجاهد ولس ارسال داشتی؟ " خواننده عزیز و هموطن گرامی من! من این پیشنهاد را در ۲۱ ماه فروری ۱۹۸۳ میلادی برای هر یک از رهبران تنظیم های جهادی (بدون تبعیض) با نامه راجستری فرستادم ولی به یقین نظر به دلایلی مفتح ایکه امیدوارم نزد شان موجود باشد و بر منطق و برهان استوار بوده باشد، تا امروز (جون ۱۹۸۶) به آن ترتیب اثر نداده اند.

با حرمت فراوان به همه قلم بدستاتی که به وطن اسیر و مردم دردمند آن می اندیشند.

پاریس، ۲۱ فروری ۱۹۸۳

ولی احمد نوری

جلالتمآب سکرتر جنرال سازمان ملل متحد!

با کمال صمیمیت احترام عنعنوی مردم افغانستان را به جلالتمآب شما و از طریق شما به حکومت و مردمان آزاد و صلح دوست جهان مخصوصاً به حکومت و مردم مسلمان و برادر دو کشور همسایه ما پاکستان و ایران که در این لحظات حساس تاریخ افغانستان و در این آوان مصیبت عظیم مردم آن از هیچ نوع همدردی و مساعدت برادرانه و انسانی به مردم افغانستان دریغ ننموده اند تقدیم مینمائیم.

مردم افغانستان، مردمیکه کشور شان مورد تجاوز نظامی اتحاد شوروی که یکی از اعضای دائمی شورای امنیت و یکی از ابرقدرت های بزرگ نظامی جهان میباشد، قرار گرفته، از مساعی جلیلجانب شما به منظور حل سیاسی قضیه افغانستان که موافق به آمال و آرزو های ملی مردم افغانستان باشد قدرانی کرده آرزومندند جناب شما از آرزو های صادقانه و عمیق ایشان آگاه شوید که رژیم دست نشانده کابل آنرا از شما پنهان میدارد.

با اشاره به مصاحبه مطبوعاتی مورخه ۲۵ جنوری ۱۹۸۲ جلالتمآب شما که در طی آن به قضیه افغانستان و "گروپ های داخل جنگ در داخل افغانستان" نیز اشاره نموده اید، اشاره به گفته جناب شما " که هنوز از این گروپ ها پیشنهاد های واضحی دریافت ننموده اید" مردم افغانستان یکبار دیگر مطالب آتی را به اطلاع جلالتمآب شما، حکومت و مردم صلح دوست جهان و مجامع بین المللی میرساند و استدعا دارد که موقف شان نسبت به موضوع ملی شان و صورت حل قضیه افغانستان چنانچه در گذشته نیز واضح و روشن بوده، در برابر سکرتر جنرال ملل متحد، کشور های عضو ملل متحد و دیگر جوامع بین المللی واضح و روشن باقی بماند.

اما قبل از آن، با حفظ احترام خاص به شما، اجازه بدهید به یکی دو مطلب دیگر که جناب شما نیز در طی بیانات خویش وقت به وقت ذکر میکنید و از نظر مردم افغانستان مقبول و مطلوب نیست اشاره نمائیم:

الف: شایسته نیست جناب شما به مردم مبارز و مجاهد افغانستان که به منظور استرداد و اعاده حقوق حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی و حفظ معتقدات دینی و نوامیس معنوی و ملی شان که در اثر تجاوز نظامی اتحاد شوروی پامال شده، در داخل خاک خویش با قیام عمومی در برابر این تجاوز و علیه رژیم تحت الحمايه شوروی قهرمانانه می جنگد، (باغی و متمرد "rebel") خطاب نمائید.

ب: مردم آزادیخواه افغانستان نه در "بیست و پنج جبهه" بلکه در صد ها دسته و جبهه در سراسر افغانستان اشغال شده، علیه تجاوز اتحاد شوروی و رژیم تحمیل شده و تحت حمایت اجنبی، جنگیده و میجنگد و در راه تاملین هدف مقدسش بکلی متحد می باشد و تا حصول حقوق ملی ما، تا وقتیکه یک ناخن خاک افغانستان مورد تجاوز یا تحت اشغال و سلطه اجنبی باشد و کوچکترین اشاره و نشانه، کرامت انسانی و ملی مردم آنرا تهدید کند و یا عناصری در کشور شان باشند که بتواند آنرا از ناحیه نفوذ اجنبی تهدید کند می جنگد و در این راه حق از هیچ نوع قربانی دریغ

ننموده و نمی کنند، و تشکیل ائتلاف تنظیم های جهادی بحیث یک واحد دارای شخصیت بین المللی دلیل عمده این اتحاد نظر شان است.

اجازه بدهید به جناب شما و همه حکومتات و مردم جهان و مجامع بین المللی نیز واضح و روشن سازیم که قیام ملی مردم افغانستان قیام برحق است علیه تجاوز ظالمانه اتحاد شوروی، و مردم افغانستان در هر جبهه ای که مبارزه می نمایند در راه بدست آوردن حقوق و آرمانهای ملی خویش متحد بوده متحد هستند و متحد خواهند بود. فلذا

ما مردم افغانستان تصمیم گرفته ایم

- با اراده غیر قابل تزلزل و قبول هرگونه قربانی و ایثار، به منظور استرداد و اعاده حقوق حقه ملت افغانستان به شمول حق آزادی تعیین سرنوشت و حق آزادی تعیین نظام سیاسی و اجتماعی، استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان و مصونیت آن، حفظ معتقدات دینی و نوامیس معنوی و ملی خود، تا زمان آغاز جریان واقعی مراحل قاطع حل سیاسی بدون وقفه مقاومت مسلح خویش را ادامه دهیم.

- دوام تجاوز نظامی اتحاد شوروی را که تخلف صریح از منشور ملل متحد، قوانین بین المللی و حسن همجواری است و رژیم تحت حمایت و غیر قانونی آن که در اثر این تجاوز حقوق حقه مردم افغانستان پامال شده، صلح در منطقه و در سطح بین المللی تهدید گردیده سبب عمده منع حل سیاسی و صلح جویانه مسئله افغانستان می شناسیم.

- با حفظ احترام به منشور ملل متحد، احترام به عدالت و قوانین بین المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و با محتویات راپور نماینده خاص ملل متحد راجع به پامال شدن حقوق بشر در افغانستان (صادر ۱۹۸۵) و با در نظر داشت کامل به منافع ملی ملت افغانستان، حاضریم جهت تامین و تضمین آرمانها و آرزو های ملی خویش از طریق صلح و مذاکره به مساعدت سازمان ملل متحد، ممالک عضو ملل متحد همکاری نموده مسؤلیت های خویش را در قبال ضرورت صلح در منطقه ما و در جهان آگاهانه در نظر بگیریم.

- با حفظ عقیده استوار ما به آزادی، کرامت انسانی، احترام به حقوق بشر و حسن همجواری و قبول مسؤلیت های ملی و بین المللی، میخواستیم کشور ما در میان کشورهای آزاد جهان باشد و در کشور مستقل خویش از آزادی های اساسی فردی و حقوق بشر بر اساس عدالت اجتماعی بهره مند باشیم، در امن و سلام زیسته و با مردم و ملل جهان در حال صلح و دوستی و تعاون و همکاری و احترام متقابل بسر ببریم. از آنجا که افغانستان از کشورهای موسس تاریخی جنبش سیاست غیر منسلک می باشد، به این اصول پایبند خواهیم بود و آنرا مطابق منافع استقلال افغانستان و منافع کشورهای دوست و جهان سوم می دانیم.

جناب سکرتر جنرال !

انتخاب راه دفاع و مقاومت مسلح ای که مردم افغانستان آنرا به حیث فریضه و تصمیم ملی و قیام عمومی در مقابل تجاوز اتحاد شوروی برگزیده اند و از زمان ایجاد رژیم کمونیست با تحریک و تقویت شوروی به این سو با اراده غیر قابل تزلزل و قبول هرگونه ایثار آنرا دوام داده و میدهند، و این یگانه راهیست که یک ملت با کرامت و شرافت میتواند آنرا بحق برگزیند و با افتخار تعقیب نماید و در حالت و شرایط فعلی هرگونه فکر و عملی که قابل تعبیر به انحراف از راه مقاومت مسلح باشد منافی ارزشها، معتقدات و روحیه ملی مردم افغانستان بوده و ازین رو غیر قابل قبول و تحمل است و این حالت تا زمانی ادامه خواهد داشت که آغاز مذاکرات سیاسی برای حل صلح جویانه بطور قاطع و یقینی شروع شود و یکی از اهداف تاریخی تشکیل ائتلاف تنظیم های مجاهدین افغانستان هم همین است. در حال حاضر و شرایط فعلی، مردم افغانستان در سطح ملی در مقابل تجاوز نظامی اتحاد شوروی و رژیم وارد شده و تحت حمایت آن جز مقاومت مسلح راه دیگری را راه حق و عدالت و کرامت و شرافت نمیدانند. ضمناً مردم افغانستان در سطح بین المللی همه ملاحظات صلح آمیز و عادلانه را با آگاهی کامل در نظر داشت و خواهد داشت. با در نظر داشت ارزش های عقیدوی و روحیه عنعنوی حریت خواهی و آزاد بودن، مردم افغانستان در هر زمان و هر مورد پشتیبان آزادی خواهان ملی مردم جهان بوده و در حالیکه مجادلات مسلح شانرا مشروع دانسته، هرگز در پشتیبانی از طریق سیاسی که منتج به حصول یا حفظ استقلال و آزادی و آمل سیاسی بر حق شان گردد مخالفت ننموده است.

باید واضح باشد که زمام امور جهاد مردم افغانستان در مقابل تسلط شوروی نه بطور علنی و نه بطور مخفی در دست هیچ دولت جهان نیست بلکه مردم افغانستان آنرا ادامه میدهند و ادامه خواهند داد تا آنکه آزادی خویش را بدست آرند. (۳)

ملت افغانستان در مورد مسأله برحق خود در حالیکه به دوام مقاومت مسلح مصمم است، اگر موازی با آن راهی برای رسیدن به آمل ملی خود از طریق سیاسی و مساعی بین المللی مشاهده کند از غور عمیق در باره آن دریغ نخواهد کرد. اما شرایط و طرز عمل مساعی باید با موافقت نمایندگان واقعی مردم افغانستان، تنظیم، تعقیب و ادامه داده شود و منتج به حصول آمل و آرزو های ملی مردم افغانستان گردد. لهذا به شما و همه حکومتات و مردم جهان اعلام میداریم که هر عمل، هر نوع ترتیب و فیصله ای که در تنظیم، تعقیب و ادامه آن مردم افغانستان و یا نمایندگان واقعی آنها اشتراک نداشته باشند، و هر فیصله ای که در باره حل سیاسی قضیه افغانستان از تأمین منافع ملی کشور ما عاری باشد، هرگز و به هیچ صورت نمیتواند مورد قناعت و قبول مردم افغانستان باشد.

با صراحت کامل اعلام میداریم که مردم افغانستان جستجوی راه حل سیاسی قضیه افغانستان را بیشتر از هر راه دیگر از طریق ملل متحد مرغوب و مطلوب میدانند و مساعی سکرتر جنرال ملل متحد را بنظر قدر دیده و مفید می پندارند، و آنهم در صورتی که یک مرحله مقدماتی برای آوردن ائتلاف تنظیم های مجاهدین افغان و اتحاد شوروی بر یک میز مذاکره باشد. البته با در نظر داشت منافع ملی مردم افغانستان تصریح مینمائیم که با طرز عملی که تا حال از طرف سکرتر جنرال ملل متحد اتخاذ گردیده نمیتواند نتیجه مثبتی توقع داشته باشند، زیرا متأسفانه در این طرز عمل چندین معیار حقیقی در نظر گرفته نشده است:

به شما و جوامع بین المللی و بشری روشن است که در هر گونه مذاکرات مخصوصاً در مذاکراتیکه بر مقدرات یک ملت بحث و مذاکره میگردد، موجودیت طرفهای متخاصم شرط نخستین و مهم ترین است و بدون آن صلح نمیتواند برقرار گردد. در قضیه افغانستان دو طرف متخاصم یکی اتحاد شوروی متجاوز و دیگری مردم مبارز افغانستان هستند. با تأسف ملاحظه مینمائیم که در کنفرانس ژنیو رژیم تحت حمایت اتحاد شوروی در کابل از اتحاد شوروی نمایندگی میکند و از نمایندگان مردم افغانستان که در مقابل رژیم دست نشانده اتحاد شوروی به قیام عمومی برخاسته اند و علیه تجاوز اتحاد شوروی برای دفاع از کشور خویش داخل جهاند، اصلاً دعوت نشده است.

رژیم دست نشانده و تحت حمایت اتحاد شوروی که نه بر اکثریت خاک و نه بر اکثریت مردم افغانستان حکومت میکند، نه در ملل متحد و نه در ارگان های مربوط به آن و نه در مذاکرات قضیه افغانستان، به هیچ وجه از مردم افغانستان نمیتواند نمایندگی کند. پس در همه احوال و در همه اوضاع و شرایط و هرگونه طرز عمل و ترتیبی که به منظور حل قضیه افغانستان اتخاذ گردد، رکن اساسی مردم آن کشور و نمایندگان ایشان هستند.

- ضمناً یادآوری میگردد که وقتی موضوع تعیین مقدرات یک ملت در میان باشد نمیتوان عنان سرنوشت ملی خود را به دیگران بسپارد و هیچ مردم و ملتی را نمیتوان سراغ نمود که مقدرات خود و کشور خود را به دیگران سپرده باشد. از اینرو هیچ مقامی حق ندارد به نمایندگی مردم و ملت افغانستان چنین ترتیبی را تجویز نماید و چنین تجویز را بر ملت افغانستان تحمیل نماید.

رژیم تحت حمایت شوروی در کابل، نه تنها از خود قدرتی ندارد بلکه عدم موافقت آن در جریان واقعی جهاد استقلال افغانستان کوچکترین تاثیری نمی آورد، و چون مورد نفرت همه مردم افغانستان میباشد "در راپور رسمی ملل متحد راجع به پامال شدن حقوق بشر موید آن مطلب است" کافی خواهد بود که موافقت آن بر یک مطلب از طرف رژیم دست نشانده کابل اعلام شود که همان مطلب مورد شک و ظن مردم افغانستان واقع گردد و درین صورت به امکانات حل سیاسی مسأله افغانستان صدمه قاطع میرسد. فلذا هر طرز عمل به شمول طرز عملی که از جانب ملل متحد اتخاذ گردیده است بدون اشتراک نمایندگان مردم افغانستان که در مقابل قوای متجاوز شوروی و رژیم کابل می جنگد، امکان ناپذیر می باشد.

در حالیکه تا حصول حقوق ملی خود به دوام مقاومت مسلح خویش در برابر اتحاد شوروی متجاوز و رژیم دست نشانده و تحت حمایت او مصمم هستیم، با روحیه صلح خواهی، برای حل قضیه افغانستان از طرق سیاسی با مساعی ملل متحد موافق میباشیم و به این منظور تشکیل یک کنفرانس خاص بین المللی را تحت نظارت سازمان ملل متحد پیشنهاد نموده جهت تحقق به این امر توجه خاص جناب شما و کشور های عضو ملل متحد را به مطالب واضح آتی جلب می نمائیم:

اول - به همه روشن است که موضوع افغانستان یک موضوع جهانی است و در نزد ملل متحد در سطح شورای امنیت و مجمع عمومی قرار دارد و همه طرفها عضو ملل متحد هستند، فلذا به منظور خاتمه دادن به تجاوز اتحاد شوروی باید یک کنفرانس خاص بین المللی تحت نظارت سازمان ملل با اشتراک نمایندگان مردم افغانستان از داخل و

خارج افغانستان، به شمول همه همسایگان افغانستان، همه اعضای دائمی شورای امنیت و یک شمار از کشورهای عضو از تمام قاره ها با توجه کامل به نقش کشورهای اسلامی و کشورهای بیطرف با استخدام مساعی شخص سکرتر جنرال ملل متحد انعقاد یابد و با موافقت نمایندگان حقیقی مردم افغانستان طرقي را جستجو نماید که به تجاوز اتحاد شوروی خاتمه داده و به اعاده و استرداد و تضمین حقوق مردم و ملت افغانستان و مصونیت کامل آن منتج گردد.

دوم - ختم تجاوز اتحاد شوروی، اعاده و استرداد حقوق مردم و ملت افغانستان و مصونیت کامل آن از جانب جامعه بشری و شورای امنیت ملل متحد تضمین گردد.

با صراحت کامل تذکر میدهم که مراد از ختم تجاوز اتحاد شوروی اخراج فوری، کامل و بلا شرط قوای نظامی اتحاد شوروی از افغانستان و تعهد اتحاد شوروی به عدم مداخله در مسایل داخلی افغانستان بطور مستقیم و یا غیر مستقیم و احترام به حق تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سیاست غیرمنسلك افغانستان است، و این تعیین سرنوشت تنها و تنها به اراده آزاد مردم افغانستان مربوط میباشد.

تجاوز اتحاد شوروی وقتی انجام شده شناخته میشود که به نتایج آن نیز خاتمه داده شود. مراد از نتایج تجاوز اتحاد شوروی خاتمه دادن به قدرت سیاسی باند وطن فروشان خلق و پرچم در افغانستان و تحمیل ایدئولوژی و نظام کمونیستی بر مردم افغانستان است که ضمناً یک توهین به بزرگترین نعمت و صفت مردم افغانستان یعنی عقیده و یکتا پرستی آنهاست.

مراد از تضمین حقوق مسلم افغانستان اینست که این کشور به حیث یک مملکت مستقل دارای استقلال سیاسی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی باشد و از هر گونه مداخله خارجی از هر جانی که باشد به شمول توطئه ها و دسایس به منظور نفوذ سیاسی خارجی و استعمال افغانستان به حیث یک پایگاه نظامی جلوگیری گردد.

آخر الامر اینکه مردم افغانستان می خواهند کشور شان مستقل گردد، کرامت انسانی و نوامیس ملی شاه محفوظ و مصئون، وحدت ملی شان استوار و حاکمیت ملی شان در دست خود شان باشد. نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شان تنها و تنها به دستور اراده آزاد با سهم گیری و اشتراک قاطبه مردم آن تعیین گردد. در میان کشور های جهان به حیث یک کشور مستقل و مساوی بپاید و در کشور مستقل خویش از آزادی های اساسی فردی و حقوق بشر بر اساس پرنسیپ های منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و بر اساس عدالت اجتماعی برخوردار و بهره مند باشند. در امن و سلام زیسته و با مردم ملل جهان و همسایه های خود در حال صلح و دوستی و تعاون و همکاری و احترام متقابل بسر برد و بالاتر از همه، معتقدات دینی و نوامیس معنوی و ملی خویش را حفظ نماید.

منبع این آرزو های مردم افغانستان ایمان شان به وحدانیت . عقیده محکم شان به کرامت انسانی و احترام شان به حقوق بشریست که آرزومندی همه مردمان صلح دوست جهان است.

مردم افغانستان از این گمان و اندیشه فارغ نشده اند که اتحاد شوروی در سیاست خود هیچ تبدیل قاطع نیاورده است و اقدامات ملل متحد را از زمان لیونید بریژنف تا کنون محض یک وسیله دوام سیاست خود میسازد تا جریان احوال از وقت به وقت به تأخیر افتاده و برای اتحاد شوروی فرصت کامل بدست آید که پایگاه های عسکری خود را در خاک افغانستان قویتر ساخته دوام اشغال افغانستان را نزد خود یک وسیله عملیات نظامی طی جنگ سوم جهانی و یا جنگ های منطقوی حساب کند. تا روزیکه آخرین فرد سپاه شوروی از خاک افغانستان بیرون نشود این گمان و اندیشه مردم افغانستان باقی خواهد بود.

جناب سکرتر جنرال !

مردم افغانستان با تقدیم احترامات فائقه و با فهم کامل متن این نامه مساعی جمیله جلالتمآب شما را در راه حل موضوع افغانستان از طریق سیاسی که منتج به تامین و تضمین آمال ملی مردم افغانستان گردد، چنانچه طرز عمل حل سیاسی موضوع افغانستان طی این نوشته با کمال صراحت و روشنی توضیح گردیده، تمنا دارند درین راه با در نظر داشت منافع ملی خویش با صمیمیت و صداقت با شما همکاری نمایند.

با تقدیم احترامات فائقه

توضیح :

(۱) من وقتی این پراگراف نوشته ام را بعد از گذشت بیست سال می خوانم به خوش باوری و اشتباه خویش پی میبرم و از این قضاوت نادرستم معذرت میطلبم.

به این معنی که صدای جهاد برحق، قیام عمومی و مبارزه بی امان مردم افغانستان را رهبران تنظیم های جهادی هرگز بگوش جهانیان نمیرساندند، اگر نویسندگان وطن پرست و فرزندان قلم بدست آگاه وطن فکر و خامه شانرا در خدمت جهاد و مقاومت قرار نمیدادند. این نظر من نظر بیست و چند سال پیش بوده که بنیاد آن بر شرایط و جریانات همان زمان استوار بوده است ولی با گذشت زمان ثابت شد که نخست این رهبران، رهبران تنظیم های جهادی نه بلکه رهبران تصدی های جهادی بوده اند و جهاد شان تنها برای آزادی و نجات وطن نبوده بلکه برای اندوختن ثروت و بدست آوردن قدرت بوده است.

(۲) در حصه قضاوت پیرامون حکومت پاکستان و امیال آن هم به بیراهه رفته بودم که اکنون بعد از گذشت بیست و چند سال و درک همه بدبختی های که از درک امیال سوء و نیت شوم پاکستان دامنگیر افغانستان شده است، متوجه اشتباهاتم میشوم که از نوشتن آن معذرت می طلبم.

(۳) تحریر این پراگراف هم یکی از اشتباهات بزرگ و غیر قابل اغماض منست که با خوش باوری معصومانه ای فکر میکردم که جهاد، تنها جهاد مردم و قیام عمومی مردم افغانستان است در برابر تجاوز اتحاد شوروی و برای رد اسارت و کمونیزم و بدست آوردن آزادی و تمامیت ارضی اش و زمام آن در دست دولت های دیگر نیست. ولی با گذشت بیست و چند سال ثابت گردید که نه تنها زمام جهاد بلکه زمام متصدیان تصدی پر درآمد جهاد در دست سلطه جویان و نظامیان امریکا، عربستان، پاکستان و دولت های بیشمار دیگر بوده است که برای بدست آوردن امیال سیاسی خود در کنار ما بوده اند و ما تا امروز قیمت آنرا میپردازیم.